

آیا روح انسان جنسیت دارد؛ بررسی نسبت روح و جنسیت از منظر انسان‌شناسی

جنسیت در مرز بدن و روح: تحلیل تفاوت‌های زن و مرد از منظر انسان‌شناسی

آیا روح انسان جنسیت دارد؟

این پرسش، در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد، اما پاسخ آن می‌تواند نگاه ما به هویت، عدالت جنسیتی و تفاوت‌های زن و مرد را دگرگون کند. پرسش دربارهٔ چیستی و ماهیت انسان و جایگاه او در نظام هستی همواره از دغدغه‌های اساسی بشر بوده است. انسان‌شناسی اسلامی یکی از حوزه‌هایی است که تلاش می‌کند تصویری جامع و دقیق از حقیقت انسان ارائه دهد. یکی از مباحث اساسی و چالش‌برانگیز در این حوزه بررسی نسبت میان روح و جنسیت است.

انسان‌شناسی اسلامی، روح را جوهرهٔ اصلی و الهی وجود انسان می‌داند و انسان را موجودی مرکب از روح و جسم معرفی می‌کند که هدف نهایی‌اش رسیدن به کمال و قرب الهی است. در این مسیر، درک ماهیت روح و نسبت آن با جنسیت از اهمیت بالایی برخوردار است. آگاهی از نسبت روح و جنسیت به درک هویت انسانی کمک می‌کند. چند سؤال کلیدی در این زمینه عبارتند از:

- دلیل تفاوت‌های زن و مرد چیست؟
 - آیا مفهوم روح فراتر از جنسیت است؟
 - روح انسان مذکر است یا مؤنث؟
 - آیا می‌توان جنسیت را بخشی از این آزمون‌ها به شمار آورد؟
 - آیا جنسیت ویژگی ذاتی روح است یا امکانی برای تعالی و امتحان الهی؟
 - آیا تفاوت‌های جنسیتی صرفاً اموری جسمانی و دنیوی هستند یا ریشه در حقیقت روح انسان دارند؟
- این سؤال‌ها از آن جهت اهمیت دارند که پاسخ آن‌ها بر نگرش ما به جایگاه و نقش زن و مرد در دنیا و آخرت تأثیر می‌گذارد. طرح بسیاری از سؤال‌ها دربارهٔ ارتباط روح و جنسیت ریشه در تفاوت‌های ظاهری و

نقش‌های اجتماعی زن و مرد دارد؛ ولی آیا لزوماً این تفاوت‌ها ناشی از متفاوت بودن جنس روح زن و مرد است؟ در این مقاله با نگاهی به انسان‌شناسی اسلامی، به بررسی نسبت میان روح و جنسیت پرداخته‌ایم تا ببینیم آیا جنسیت امری جسمانی است یا ریشه در ساحت وجودی انسان دارد.

مفهوم روح و جنسیت در انسان‌شناسی اسلامی

در انسان‌شناسی اسلامی، روح جوهرهٔ اصلی و الهی وجود انسان است، نفخه‌ای از جانب خداوند که به انسان حیات می‌بخشد.^۱ این روح حقیقتی مجرد و غیرمادی است که از عالم امر الهی نشأت می‌گیرد و فاقد جنسیت است.

روح مجرد و غیرمادی را نمی‌توان به دو جنس زن و مرد تقسیم کرد، چون جنسیت تنها به بُعد مادی وجود انسان تعلق دارد و در عالم ارواح این تمایز وجود ندارد؛ در واقع روح حقیقت واحدی است که در قالب‌های گوناگون جسمانی تجلی و بروز می‌یابد. تفاوت‌های جنسیتی، نژادی و فرهنگی همگی اموری ظاهری هستند که نمی‌توانند بر اصالت و یگانگی روح تأثیر بگذارند. روح فراتر از این تمایزات بوده و دارای ظرفیت‌ها و استعدادهایی است که با رشد و پرورش می‌تواند به کمال نهایی خود دست یابد.

علامه طباطبایی دربارهٔ ارتباط روح و جنسیت می‌فرماید: «امر خدا، که روح هم یکی از مصادیق آن است، از جنس موجودات جسمانی و مادی نیست؛ چون اگر بود، محکوم به احکام ماده بود و یکی از احکام عمومی ماده این است که به تدریج موجود شود، وجودش مقید به زمان و مکان باشد، پس روحی که در انسان هست مادی و جسمانی نیست هرچند که با ماده تعلق و ارتباط دارد.»^۲

فَإِذَا سُوِّتُهُ وَ تَفَحَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ سوره حجر، آیه ۲۹^۱
علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۲۹^۲

دلایل اثبات عدم جنسیت روح

بر اساس دلایل نقلی و عقلی فراوانی می‌توان ماهیت روح و عدم جنسیت آن را اثبات کرد. در ادامه به سه مورد از این دلایل اشاره می‌کنیم:

- **منشأ الهی روح:** روح از جانب خداوند به انسان هدیه شده است. خداوند از هرگونه نقص و محدودیت مادی، از جمله جنسیت، منزّه است؛ پس نمی‌توان روح را که منشأ الهی دارد، دارای جنسیت دانست.
- **تجرد روح:** روح موجودی مجرد و غیرمادی است؛ در مقابل، جنسیت یک ویژگی مادی و وابسته به بدن است. نسبت دادن ویژگی‌های مادی به موجودی مجرد تناقض‌آمیز است. آیت‌الله جوادی آملی در توضیح حقیقت وجودی زن و مرد و ارتباط روح و جنسیت می‌فرمایند: «حقیقت زن و مرد تقریباً مساوی هم است، زیرا روح نه مذکر است و نه مؤنث... مرد و زن بودن مربوط به بدن است که بدن یا این چنین ساخته شد یا آن چنان؛ ولی روح از آن نظر که مجرد است، منزّه از اجزاء و خصوصیت‌های بدنی است...»^۳ این بیان نشان می‌دهد که جنسیت یک ویژگی مادی است و به روح تعلق ندارد.
- **آیه «نفس واحده»:** در قرآن کریم به خلقت انسان‌ها از «نفس واحده» اشاره شده است.^۴ این آیه بیانگر وحدت منشأ روح در تمام انسان‌هاست؛ اگر روح دارای جنسیت بود، این وحدت نوعی زیر سؤال می‌رفت.

جنسیت بستری برای امتحان و ابتلای الهی

روح فاقد جنسیت است، اما تجلی آن در دنیای مادی با جنسیت همراه است. این همراهی به معنای ذاتی بودن جنسیت برای روح نیست، بلکه زمینه‌ای برای امتحان و ابتلای الهی در مسیر کمال روح محسوب می‌شود. تفاوت‌های جنسیتی شامل جنبه‌های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی، فرصتی برای رشد روحی هر فرد هستند. این تفاوت‌ها نباید به عنوان برتری یا حقارت تلقی شوند، بلکه مکمل یکدیگرند و هرکدام از

پیام آیت الله العظمی جوادی آملی به بیستمین کنفرانس سالانه کنگره مسلمان آمریکا^۳
یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ سوره نساء، آیه ۱^۴

جنس زن و مرد نقش خاص خود را در نظام آفرینش ایفا می‌کنند. خداوند با ایجاد تفاوت‌های جسمانی و جنسیتی، انسان‌ها را در شرایط مختلف قرار می‌دهد تا آن‌ها را در برابر چالش‌ها و سختی‌ها آزمایش کند. این آزمون‌ها فرصتی را برای انسان فراهم می‌کنند تا با انتخاب‌های آگاهانه و مسئولانه، مسیر تعالی و کمال را طی کند.

با توجه به اینکه روح حقیقت وجود انسان است، باید ارتباطی بین روح، بدن و شرایط دنیا برقرار باشد. بدن، وسیله‌ای برای رشد و کمال روح است؛ اگر بدن نتواند شرایط لازم را برای بقا و رشد روح فراهم کند، روح آن را ترک می‌کند، مانند جنینی که در صورت عدم جای‌گیری در [قرار مکین](#) سقط خواهد شد. این نشان می‌دهد که جسم مرتبه‌ای نازل‌تر از روح دارد و اصالت با روح است؛ در واقع بدن، تجلی فیزیکی و محدودشده روح است.^۵

روح فارغ از اینکه در دنیا به جسمی زنانه یا مردانه تعلق داشته باشد، کیفیت بدن انسان را در عالم برزخ مشخص می‌کند؛ اگر روح نامتعادل و [فاسق](#) بوده و عادت‌های بدی داشته باشد، بدن در عوالم بعدی به تناسب این روح با شکل‌های مختلفی بروز خواهد کرد.^۶

بررسی برخی شبهات رایج درباره روح و جنسیت

بدن انسان متناسب با شرایط زیستی دنیا خلق شده و انسان در هر مرحله از حیات بدنی منحصربه‌فرد دارد. یکی از دلایلی که باعث می‌شود برخی افراد درباره ارتباط بین روح و جنسیت دچار شبهه شوند این است که عوالم بعد از دنیا را بر اساس ویژگی‌هایی که در این عالم مادی دیده‌اند، تحلیل می‌کنند. این تحلیل اشتباه است؛ چون هر عالم اقتضائات و ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد و در چارچوب همان خصوصیات باید بررسی و تحلیل شود. توجه به گذشته، دید خوبی نسبت به آینده در اختیار انسان قرار می‌دهد. همه

بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان؛ ۱۴۰۱، ۱۰، ۱۴^۵

يُخْشَرُ عَشْرَةُ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي يَغْضِبُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقِرْدَةِ وَ يَغْضِبُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْخَنَزِيرِ وَ يَغْضِبُهُمْ عَلَى وُجُوهِهِمْ مُنْكَشُونَ أَرْجُلَهُمْ فَوْقَ رُءُوسِهِمْ...؛ شعیری، محمدبن محمد، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۱۷۶^۶

ما می‌دانیم در دوران جنینی، که مرحله قبل از ورود به عالم دنیاست، انسان با ویژگی‌های جسمانی متفاوتی زندگی می‌کند. این تفاوت مربوط به گوناگون بودن فضای رحمی مادر و عالم دنیاست. بدن جنین با همین ویژگی‌های خاص، نیازهای او در عالم رحم را تأمین می‌کند. به همین ترتیب باید عوالم بعد از دنیای مادی را هم بر اساس ویژگی‌های خاص آن‌ها مطالعه کرد. در ادامه چند شبهه و پرسش رایج درباره ارتباط روح و جنسیت را بررسی کرده و پاسخی کوتاه برای هرکدام ارائه می‌دهیم:

• شبهه اول: اگر روح جنسیت ندارد، تفاوت‌های جسمی و روانی بین زن و مرد چه توجیهی دارد؟

تفاوت‌های جسمی و روانی بین زن و مرد ناشی از تفاوت‌های فیزیولوژیکی، هورمونی، ساختار مغزی و نقش‌ها و تجربه‌های اجتماعی آن‌ها در این دنیاست. این تفاوت‌ها در جهت تحقق اهداف الهی و آزمون‌های دنیایی تعیین شده‌اند؛ به عنوان مثال نقش مادری و همسری در زنان نیازمند ویژگی‌های جسمی و روانی خاصی است که در مردان به شکل دیگری بروز می‌کند؛ اما این تفاوت‌ها به معنای تفاوت در جنسیت روح نیست. روح در هر دو جنس دارای استعدادهای یکسان برای رسیدن به کمال و تقرب به خداوند است. بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان حاصل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است. این تفاوت‌ها به معنای تفاوت در جنسیت روح نیست. روح در هر دو جنس دارای استعدادهای یکسان برای رسیدن به کمال و تقرب به خداوند است.

• شبهه دوم: اگر روح جنسیت ندارد، پس چرا در قرآن به تفاوت‌های زن و مرد اشاره شده است؟

آیاتی که به تفاوت‌های زن و مرد اشاره می‌کنند، در مورد وظایف، حقوق و تکالیف آن‌ها در جامعه است و به جنبه‌های جسمانی و روانی آن‌ها مربوط می‌شود، نه به ذات روح! هدف از بیان این تفاوت‌ها ارائه تصویری واقع‌بینانه از انسان و تعیین وظایف و حقوق متناسب با هر جنس و ایجاد هماهنگی و تعادل در جامعه

است. اسلام تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد را نادیده نگرفته است، اما این تفاوت‌ها به معنای برتری یکی بر دیگری نیست. هدف از خلقت زن و مرد تکمیل یکدیگر و رسیدن به کمال انسانی است.

• **شبهه سوم: اگر روح جنسیت ندارد، چرا در برخی از احکام اسلامی محدودیت‌هایی برای زنان وجود دارد؟**
احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد جامعه و با در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد وضع شده‌اند. این محدودیت‌ها به معنای تبعیض جنسیتی نیست، بلکه هدف آن‌ها حفظ حقوق و کرامت زن و مرد و تأمین عدالت اجتماعی، امنیت و سلامت جامعه وضع شده‌اند؛ هر یک از دو جنس زن و مرد با توجه به نقشی که در نظام طبیعت پذیرفته‌اند از امکاناتی خاص برای فدا کردن طبیعت و رشد انسانی برخوردار شده‌اند.

• **شبهه چهارم: آیا امتحانات الهی فقط به جنسیت مربوط می‌شود؟**
امتحانات الهی به جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها مربوط می‌شود و جنسیت تنها یکی از این جنبه‌هاست. خداوند انسان‌ها را با انواع و اقسام امتحانات آزمایش می‌کند تا آن‌ها را در مسیر رشد و کمال قرار دهد. همه امتحان‌ها به جنسیت ربطی ندارد و بسیاری از امتحان‌ها بین زن و مرد مشترک است.
امتحانات الهی بسیار متنوع‌اند و می‌توانند در قالب ثروت یا فقر، سلامتی یا بیماری، علم یا جهل، قدرت یا ضعف و... ظاهر شوند. جنسیت نیز یکی از بسترهای این امتحان است، نه هدف یا ملاک ارزش‌گذاری. قرآن کریم بارها تأکید می‌کند که ملاک برتری نزد خداوند «تقوا» است، نه جنس، نژاد، یا طبقه اجتماعی.^۷
زن بودن یا مرد بودن نه فضیلت است و نه نقص، بلکه بستری است که در آن، هر انسان می‌تواند با عمل صالح، عقل، عاطفه و اراده‌اش مسیر کمال را طی کند. آنچه نزد خداوند اعتبار دارد، چگونگی عملکرد انسان در شرایط ویژه‌ای است که در آن قرار گرفته، نه خود آن شرایط.

^۷ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ (سوره حجرات، آیه ۱۳)

در این درس به این نکته اشاره کردیم که در انسان‌شناسی اسلامی، روح به عنوان حقیقت الهی و مجرد از هرگونه ویژگی مادی از جمله جنسیت، منزه دانسته می‌شود. جنسیت در سطح جسمانی و دنیوی معنا پیدا می‌کند و روح در زن و مرد، ماهیت واحدی دارد. تفاوت‌های ظاهری، فیزیولوژیکی و نقش‌های اجتماعی زن و مرد، نباید به اشتباه به تفاوت‌های روحی یا ارزشی تعبیر شوند. جنسیت تنها یک جنبه از تجربهٔ انسانی در دنیای مادی است و روح، جوهر اصلی انسان، فراتر از این تمایزات قرار دارد. توجه به این حقیقت می‌تواند در درک عمیق‌تری از خود، ارزش‌گذاری به همهٔ انسان‌ها و رهایی از تعصبات جنسیتی به ما کمک کند. هدف اصلی انسان در این زمینه حفظ تعادل روح و بدن است؛ زیرا عدم توجه به این مورد موجب بیماری روحی و دور شدن از سعادت واقعی می‌شود. جنسیت و بدن به‌عنوان جنبه‌های ثانویه و موقتی در نظر گرفته می‌شوند، درحالی‌که روح و ارتباط آن با کمال مطلق، اصلی‌ترین جنبه در زندگی انسانی است. با درک این حقیقت می‌توان به جای تمرکز بر تفاوت‌های ظاهری، به ارزش‌های انسانی مشترک توجه کرد و در جهت تعالی روحی خود و دیگران تلاش کرد.

درک صحیح نسبت روح و جنسیت می‌تواند بسیاری از نگاه‌های ناعادلانه و تبعیض‌آمیز را اصلاح کرده و جای خود را به نگاهی عمیق، الهی و مبتنی بر ارزش‌های انسانی بدهد. این نگاه نه تنها سبب فهم بهتر از جایگاه انسان در نظام هستی می‌شود، بلکه نقش هر فرد در مسیر کمال و امتحان الهی را نیز شفاف‌تر می‌سازد.

انسان در هر قالبی که قرار بگیرد، با روحی یکسان و ارزشی برابر آفریده شده و این روح است که مسیر او را در دنیا و آخرت تعیین می‌کند، نه جنسیت او.